

مزاری؛ تلاش برای تغییر مسیر تاریخ



□ رضالعلی

بنیاد اندیشه

سیاسی و با کم‌ترین امکانات مالی و نظامی برای تأمین عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق شهروندی دست به مقاومت زد که این مقاومت سه ساله به یکی از ماندگارترین اسطوره‌های تاریخ مقاومت تبدیل شد. مقاومت غرب کابل به رهبری مزاری از زاویه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. داکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در سالروز شهادت عبدالعلی مزاری سخنرانی کرد و گفت: «شهید مزاری از جمله سیاستمداران وطن ما است که جهت حرکت تاریخ را تغییر داد. بدون شک، او شخصیتی تأثیرگذار در سیاست بود». با توجه به کلام رئیس جمهور به محوری‌ترین اندیشه مزاری که نقش برجسته بر تحولات سیاسی در افغانستان داشته، اشاره می‌کنم.

اعمال سلطه در تاریخ افغانستان به خشن‌ترین شکل ممکن ۱۳۹۴ صورت گرفته است. حاکمان با توسل به ارباب و ایجاد فضای هراس بر مردم حکومت کرده و برای تحکیم سلطه دست به کشتار و فجایع هولناک زده است. در این میان هزاره‌ها به عنوان یکی از گروه‌های قومی بیش از همه در افغانستان خشونت‌های سازمان‌یافته و کشتار هدفمند را تجربه کرده و مورد بی‌عدالتی و بی‌توجهی حاکمان این سرزمین قرار گرفته است. در دهه هفتاد در زمانه‌ای که مزاری با دیگر رهبران مجاهدین برای تأسیس حکومت وارد گفتگو شد؛ اما حقوق اساسی هزاره‌ها از سوی احزاب هفتگانه پیشاور و شورای نظار به صورت آشکار نادیده گرفته شد. این نادیده‌گیری و بی‌توجهی منجر به جنگ داخلی و مقاومت سه ساله مزاری در غرب کابل شد. شهید مزاری با اعتماد به نفس

یکم؛ مشارکت برابر در ساختار قدرت

قدرت و سیاست در تاریخ معاصر افغانستان به دست یک اقلیت کوچک دست به دست شده و در این میان نقش مردم بسیار کم رنگ و یا هیچ گاهی در آن حضور نداشته است. حاکمان برای اعمال سلطه و هژمونی خود دست به جنایات و سیاست های غیر انسانی زده اند که قربانیان بی شمار را از خود به جا گذاشته اند؛ اما در دهه هفتاد و با شکست حکومت داکتر نجیب رئیس جمهور پیشین افغانستان و به قدرت رسیدن مجاهدین، فضا برای ایجاد یک حکومت فراگیر که تصویر همه گروه های قومی و فرهنگی و زبانی در آن دیده شود، فراهم شد. در چنین شرایط، مزاری برای رهایی از گذشته سیاه و تکرار تاریخ و رسیدن به افغانستان با ثبات دست به مبارزه و تلاش اساسی زد. به عقیده مزاری برای تأمین حقوق شهروندی و رهایی از ستم چندین قرنه، باید تمام گروه های قومی و سیاسی در ساخت قدرت و نظام آینده مشارکت عادلانه داشته باشد؛ بدون مشارکت سیاسی و بدون حضور تمام گروه های قومی در تصمیم گیری های سیاسی، عدالت تأمین نمی شود و بلکه از درون آن خودکامگی و استبداد سر بلند می کند. به عقیده مزاری مسئله اصلی جنگ و منازعات تاریخی در افغانستان، بی توجهی به حقوق شهروندی و عدم مشارکت عادلانه تمام اقوام در ساختار قدرت و نظام است. بر همین مبنا مزاری گفت: «ما برای همه احزاب و ملیت ها احترام قائلیم و برای همه حق مساوی طبق نفوس شان می خواهیم و بر همین اساس برای مردم خود حق می خواهیم».

شهید مزاری معتقد بود که تکیه بر عدالت اجتماعی، زمینه را برای ایجاد ساختار سیاسی مردمی و فراگیر مهیا می سازد که سرانجام به برادری و برابری اقوام افغانستان منجر خواهد شد. به باور مزاری تا آن هنگام که ساختار سیاسی بر پاشنه ارزش های کهنه و پوسیده قومی بچرخد و انحصار طلبی جای خود را به هم پذیری ندهد و تحمل مخالفان سیاسی به یک امر فراگیره نسپارد، فجایع گوناگونی مانند خیانت ملی، وطن فروشی، ستمگری، تبعیض، جنگ های قومی و مذهبی و دیگر مشکلات همچنان دامن گیر مردم فلاکت زده

افغانستان خواهد بود. از این روی شهید مزاری تأمین عدالت اجتماعی را زمینه ساز تقسیم مساویانه منابع و منافع ملی قلمداد می کرد و رسیدن به این امر مهم را از طریق گزینه گفت و گو ممکن می دانست: «حرفی را در اینجا خدمت شما عزیزان تذکر می دهم این است که از راه مذاکره سیاسی با گروه ها می نشینیم و حقوق ملت خود را مبتنی بر تأمین عدالت اجتماعی و نفی انحصار طلبی می خواهیم هر کس که باشد، ولی از این که اینجا افغانستان است گروه ها، مخالفان سیاسی خود را هرگز تحمل ندارند. هدف ما تشکیل حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است». مزاری می گفت که چندین قرن فزون طلبی و خشونت های سازمان یافته و برتری جویی های قبیله ای و قومی افغانستان را گرفتار منازعات خونین کرده و فجایع دردناک را خلق کرده است. بر این اساس گفت: «جامعه ای به وجود آید که در آن تبعیض، برتری طلبی، تفاخر و افزون خواهی خبری نباشد و کلیه مردم افغانستان از هر قوم و نژاد و با هر رنگ و زبان برادرانه و برابر زندگی کند و حقوق حقه تمام ملیت های ساکن در افغانستان تأمین شود». مزاری تجارب بین المللی را برای بیرون رفت از وضعیت کنونی و بن بست و انزوای سیاسی مهم می دانست. از این رو، طرح ساختار سیاسی متکثر، فراگیر، عادلانه و مردمی را با بهره گیری از تجربیات سیاسی دیگر ملت های جهان پیشنهاد کرد؛ زیرا مزاری به ظرافت دریافته بود که خروج افغانستان از انزوای بین المللی و استفاده از تجربیات دیگر ملت های پیشرو، زمینه ساز شکل گیری حکومت انتخابی زیر نظر سازمان ملل متحد و بازسازی مجدد کشور خواهد شد. در نتیجه طرح مطالبات سیاسی ملیت های محروم در پرتو نظارت نهادهای بین المللی به سرانجام بهتری ره خواهد سپرد و خواهی نخواهی نظام حاکم گروه های انحصار طلب، در برابر جریان عدالت خواهی به تمکین و انعطاف بیشتر وادار خواهد شد. بر ایند این اقدامات، زمینه را برای تعیین حاکم از طریق انتخابات آزاد و مشارکت همگانی میسر خواهد ساخت و مردم سهم بارزی در تعیین سرنوشت خودشان خواهند داشت: «تنها راه حل مسئله افغانستان را در انتخابات آزاد می دانیم. مردم باید سرنوشت

خویش را تعیین کنند. امروز در ساختار جامعه خود، باید از تجربیات بشری و مجامع بین‌المللی کمک بگیریم. ما از کشورهای جهان و سازمان ملل می‌خواهیم که مردم افغانستان را در امریازسازی و اعمار مجدد افغانستان یاری رسانند».

دوم؛ تأکید بر وحدت ملی و همگرایی اجتماعی

سیاست‌های قبیله‌ای، انحصارطلبی و برتری‌جویی جامعه افغانستان را در طول تاریخ دچار اختلاف و شکاف‌های قومی، فرهنگی و سیاسی کرده است. حاکمان با استفاده از ایجاد اختلاف و تفرقه بر مردم حکومت کرده و کم‌تر به همگرایی و وحدت ملی اهمیت نشان داده است. بدین جهت تأمین و تحکیم وحدت ملی کانونی‌ترین خواست مزاری در طول مبارزات سیاسی اش به شمار می‌رفت. مزاری به درستی دریافته بود که قوم‌گرایی و تعصب مذهبی ابزاری اند که حاکمان ستمگر همواره از این ابزار برای تحکیم سلطه و بهره‌کشی اقوام محروم سود برده است و پیامد حکومت‌های استبدادی جز نفرت‌آفرینی و فاجعه‌چیزدگی نمی‌تواند باشد.

به همین جهت، مزاری هم‌زمان در دو جبهه تلاش‌های جدی را برای تأمین وحدت ملی پی گرفت: ابتدا تمام احزاب شیعی را برای تشکیل حزب وحدت متقاعد ساخت و برای تحقق یکپارچگی شیعه‌ها تمام شروط و بهانه‌های مخالفان ۱۳۹۴ تشکیل حزب وحدت از جمله شیخ آصف محسنی را پذیرفت. هرچند محسنی راه خود را بعداً جدا کرد و علیه مزاری و حزب وحدت موضع گرفت. مزاری سپس هیئتی را به پنجشیر فرستاد و هم‌زمان با تصرف کابل پیمان سه‌جانبه جبل‌السراج را با مسعود و دوستم امضا کرد؛ اما زمانی که مسعود با پشتیبانی جنرال محمدنبی عظیمی فرمانده گارنیزون شهر کابل، وارد پایتخت شد، بر تمام تعهدات خود، از جمله پیمان جبل‌السراج پشت پا زد. در چنین وضعیتی مزاری به این نکته پی برد که تا زمانی هزاره‌ها در تصمیم‌گیری‌های ملی نقشی نداشته باشد، نمی‌تواند در منافع و منابع ملی شریک باشد. با درک همین نکته بود که در جلسه‌ای با سران احزاب هفتگانه پیشاور، از آنان خواست که

وزارت امنیت را به حزب وحدت واگذار کنند که با مخالفت شدید برخی رهبران جهای از جمله سیاف، حقانی، یونس خالص و شیخ آصف محسنی مواجه شد. در جلسه دیگری که با نمایندگان شورای نظار داشت به آنان گفت مردم ما وزارت کلیدی نمی‌خواهند بلکه ما خواستار شرکت در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز ملی هستیم تا زمانی که به این خواسته ما توجه صورت نگیرد، مبارزه ما علیه انحصارطلبان ادامه خواهد یافت و ما جز حق خود چیز دیگری نمی‌خواهیم؛ اما این خواسته هرگز از سوی شورای نظار پذیرفته نشد. بعد از این تاریخ بود که مزاری هم‌زمان با دو جریان انحصارطلب و تمامیت‌خواه به مبارزه برخاست. هرچند مزاری در جنگ و مبارزه علیه انحصارطلبی و فزون‌خواهی جریان‌های تمامیت‌خواه قربانی‌های بی‌شمار داد و یکی از آن قتل عام مردم افشار بود. با این حال مزاری و با وجود چنین قربانی، در یکی از سخنرانی‌های خود با صراحت و صداقت بر اصل وحدت ملی تأکید ورزید: «برای شما واضح می‌گویم در افغانستان دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی است. در افغانستان برادری ملیت‌ها مطرح است. ما وحدت ملی را در افغانستان یک اصل می‌دانیم... مسئله افغانستان وقتی حل می‌شود که مردم و احزاب همدیگر را تحمل کنند و درصدد حذف یکدیگر نباشند چه از نگاه اقوام، چه از نگاه احزاب، چه از نگاه مذاهب... راه حل برای افغانستان تفاهم است نه حذف همدیگر».

به باور شهید مزاری منازعات تاریخی ریشه در حق تلفی‌ها و بی‌توجهی حاکمان به حقوق اساسی گروه‌های قومی و فرهنگی و زبانی در این سرزمین دارد. بر همین اساس گفت که: «تا وقتی که یک حکومت عادلانه مردمی به شمول ملیت‌های افغانستان تشکیل نشده است و اردوی ملی از کلیه قوت‌های مربوط به احزاب سیاسی سازمان نیافته است، هیچ‌کس حاضر نخواهد شد سلاح خود را بر زمین گذاشته و سرنوشت خود را دست تقدیر بسپارد». شهید مزاری می‌گفت، تا زمان که انحصارطلبی و برتری‌جویی در ساختار نظام وجود داشته باشد و به خواست و حقوق تمام ملیت‌های ساکن در این کشور توجه صورت نگیرد، وحدت و همگرایی ملی شکل

تربیت کرده است».

نگاه متفاوت مزاری به قضایای افغانستان و ایستادگی برای دفاع از حقوق زنان نقش مزاری را در میان هم‌تایان و رقیبانش برجسته می‌کند. در وضعیتی که مجاهدین دفاع از حقوق زنان را الگوی غربی، قضایای سنگسار و شلاق زدن زنان را ترویج می‌کرد و هر روز قوانین سخت را علیه زن و جایگاه اجتماعی آن اعمال می‌کرد؛ اما مزاری در مهم‌ترین تشکل سیاسی خود یعنی حزب وحدت بر نقش اثرگذار زنان تأکید داشت و در یکی از صحبت‌های خود گفت که: «شاید بسیار از تنظیم‌ها و رهبران تا حالا نتوانسته باشند یک‌بار اعتراف کنند که نصف این جامعه را زن‌ها تشکیل می‌دهند و حق دارند در تعیین سرنوشت آینده‌شان شرکت کنند و تصمیم بگیرند؛ در طرح حزب وحدت این مسئله رعایت شده است». به عقیده و باور مزاری بدون حضور زنان در مناسبات اجتماعی و سیاسی، آن نظام ناقص و برآمده از اراده جمعی مردم نیست و همواره در صحبت‌ها و سخنرانی‌های خود تأکید بر انتخابات عادلانه و مشارکت همه‌شمول تمام اتباع افغانستان می‌کرد و گفت: «ما طرح خود را برای حل این مسائل به کمیسیون انتخابات دادیم و در آن گفته بودیم که باید احزاب و افراد مستقل کاندید شود. کسی که تابع افغانستان است، اعم از زن و مرد، در رأی‌گیری شرکت داشته باشند... و اگر بگویم که زن‌ها شرکت نکنند، بدین ترتیب نصف مردم در انتخابات حاضر نبوده و انتخابات ناقص خواهد بود.» این تلاش مزاری برای دفاع از حقوق زنان و برجسته شدن نقش زن در مناسبات اجتماعی و سیاسی با توجه به وجود سنت‌های متصلب و زن‌ستیز در جامعه از اهمیت ویژه برخوردار است و می‌توانیم این تلاش را یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین گام‌ها در تاریخ معاصر افغانستان برای برابری جنسیتی و حضور فعال زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تلقی کنیم.

نمی‌گیرد، بر همین اساس بر حقوق برابر و تأمین عدالت در جامعه افغانستان تأکید و برای تحقق آن مبارزه کرد: «ما حقوق ملیت‌ها را می‌خواهیم، حقوق ملیت‌ها به معنی برابری و برادری ملیت‌هاست. این به معنی دشمنی با هیچ‌کسی نیست، هر کس در راستای دشمنی در افغانستان گام بردارد، فاجعه است و آن کس خائن ملی است».

سوم؛ حمایت از جایگاه برابر زنان در مناسبات اجتماعی و سیاسی

در شرایطی که زن‌ستیزی بخشی از وجهه سیاسی و اجتماعی رهبران احزاب جهادی به شمار می‌رفت، مزاری به هیچ‌تردیدی این «خط قرمز» را پشت سر نهاد و با صراحت و جسارت خواستار مشارکت و سهم‌گیری جدی آنان در امور سیاسی و اجتماعی شد و به موازات آن، تعدادی از بانوان را به عضویت شورای مرکزی حزب وحدت پذیرفت. جمله «زنان نصف پیکر جامعه است» را نخستین بار- در دوران شکل‌گیری حکومت مجاهدین- مزاری بر زبان آورد و محرومیت زنان از حقوق اجتماعی و سیاسی‌شان را غیرعادلانه و خلاف ارزش‌های انسانی و اسلامی عنوان کرد: «زنان از کلیه حقوق انسانی برخوردار هستند و می‌توانند در همه عرصه‌های حیات اجتماعی و سیاسی کشور فعال باشند، انتخاب شوند و انتخاب کنند. این عادلانه نیست که مردان در انتخابات شرکت کنند و زنان محروم باشند.» شهید مزاری بر نقش مؤثر و تاریخی زنان بیش از هر مسئله‌ای دیگر و هر چهره‌ای جهادی دیگر تأکید و پافشاری کرد و همواره در صحبت‌ها و گفتارهای خود از نقش تاریخی زنان افغانستان در تحولات اجتماعی یاد کرد: «این خواهران و مادران در پیروزی انقلاب نقش فوق‌العاده داشتند. اگر هر جوانی فداکاری کرده و از این سرزمین دفاع کرده و با خونش این سرزمین را آزاد کرده، این را همان مادر